

## سنجش تولیدات علمی گروه زبان و ادبیات عربی ایران (مقالات علمی پژوهشی از سال 1382-1386)

دکتر علی باقر طاهری نیا<sup>1</sup>، مریم بخشی<sup>2</sup>

### چکیده

ارزیابی کمی و کیفی مقالات علمی-پژوهشی یک حوزه علمی، جایگاه آن را در تولید علم کشور روشن می‌کند و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را در این زمینه بهینه می‌نماید. بررسی مقالات حوزه زبان و ادبیات عربی در 10 مجله علمی-پژوهشی علوم انسانی از 1382 تا 1386، بیانگر رشد ناموزون سالیانه مقالات عربی و چاپ بیشترین تعداد مقاله، در سال 1384 است. سرانه هر عضو هیئت علمی، فقط 1/46 مقاله می‌باشد. هرچند همکاری گروهی در چاپ مقالات، رشد صعودی داشته، اما نویسندگان تمایل به کارهای انفرادی و حداکثر دو نفره دارند. بررسی دو عنصر کیفی مقالات یعنی: منابع و استنادات، نشان داد که میانگین تعداد منابع مقالات، 25 عدد است که به منابع قدیمی بیش از اندازه، و به منابع نو و مقالات علمی روز به ندرت استناد شده است. پایین‌ترین و بالاترین میزان استنادات مقالات این حوزه، صفر و 1 است. نبود مجلات تخصصی زبان و ادبیات عربی، حضور دائم برخی نویسندگان مشهور در این مجلات، قطبی شدن و ظرفیت بسیار محدود چاپ مقاله، شمارگان اندک سالیانه، بی‌توجهی به موضوع مهم استناد به مقاله، عدم توازن و تعادل موضوعی، عدم تخصصی نگاری، و عدم وجود سامانه نظارت و ارزیابی مقالات و مجلات، جزء موانع رشد مقالات علمی این حوزه می‌باشد.

واژگان کلیدی: علم‌سنجی، مقاله، مجله علمی-پژوهشی، گروه زبان و ادبیات عربی.

[btaheriniya@yahoo.com](mailto:btaheriniya@yahoo.com)

1. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا  
2. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا  
تاریخ دریافت: 88/4/30 تاریخ پذیرش: 88/7/25

## مقدمه

امروزه توسعه علمی هرکشور از طریق فعالیت‌های علمی پژوهشگران آن کشور سنجیده می‌شود؛ از این رو، ارزیابی فعالیت‌های علمی، برای برنامه‌ریزی و سیاست-گذاری پژوهشی بسیار ضرورت دارد. (امین‌پور، 1387: 164) هرچند پژوهش و تولیدات علمی طیف وسیعی از آثاری نظیر مقاله، کتاب، پایان‌نامه، طرح تحقیقاتی و... را شامل می‌شود، اما در این پژوهش، مقالات علمی-پژوهشی تولید شده اعضای هیئت علمی گروه‌های زبان و ادبیات عربی در طی سال‌های 1382 الی 1386 به صورت پنج ساله، مورد بررسی و تحلیل کمی و کیفی قرار گرفته است. تولید علم، نه تنها از لحاظ پیشرفت علمی، بلکه از نظر حفظ و تقویت هویت دینی و ملی ما نیز حائز اهمیت اساسی است. رکورد کنونی علمی مسلمانان یکی از دلایل اساسی تسلط جوامع غربی بر آنان است این مشکل هم در علوم به معنای عام و هم در علوم انسانی به معنای خاص به شدت ملاحظه می‌شود. (لطف‌آبادی، 1382، ص 12) بنابراین ما نیازمند مسئله‌شناسی موانع تولید علم در علوم انسانی و به ویژه در حوزه زبان و ادبیات عربی هستیم. ارزیابی مقالات نیز به عنوان بخشی از پاسخ به «تضمین کیفیت، باعث صرفه-جویی در بودجه‌های تولید علم می‌شود و باعث می‌شود مجلات از حالت صرف مجوزدار بودن خارج شود.» (خاواس، 1384: 20)

یکی از مجاری انتشار این یافته‌های علمی، مجلات علمی-پژوهشی است که معیاری برای تولید علم تلقی می‌شوند (امیر اصلانی، 1384، 424) مجلات از جمله مطلوب‌ترین بسترهای طرح اندیشه‌های نوین تلقی می‌شوند و مقالات مجلات به عنوان نخستین مجرای طرح اندیشه نو در جوامع مختلف پذیرفته شده‌اند. مجله علمی را می‌توان مهم‌ترین مجرای رسمی انتقال و اشاعه اطلاعات علمی و فنی دانست. در واقع تولید علم نخستین بار پس از ارائه در کنفرانس‌ها، در مقاله علمی تجلی می‌یابد (داور پناه، 1381، به نقل از داور پناه، 1385: 80) بنابراین با تکیه بر نشریات، به عنوان شریان جاری

علمی در سطح کشور، می‌توان به تجزیه و تحلیل‌های علمی در سطح کشور پرداخت (مهرداد و همکاران، 1387، ص 7) اساس کار در بررسی حاضر را نیز مجلات علمی-پژوهشی کشور تشکیل می‌دهند.

### پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقی در زمینه تولیدات علمی اعضای هیئت علمی گروه زبان و ادبیات عربی صورت نگرفته، است. اما در زیر به برخی موارد که زمینه مشترکی با این تحقیق دارند، اشاره می‌شود:

- دکتر حسین لطف‌آبادی در مقاله‌ای (سخن سردبیر) با عنوان "تولید علم و مقالات علمی-پژوهشی علوم انسانی در ایران" در فصلنامه نوآوریهای آموزشی، به برخی موانع رشد مقالات علمی-پژوهشی علوم انسانی اشاره کرده و به این نتیجه رسیده است که مقالات علوم انسانی ما هم دچار فقر کمی و هم گرفتار ضعف‌های اساسی کیفی و نظری است. (ر.ک: لطف‌آبادی، 1382: 7-12)
- دکتر میرزایی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان "تحلیلی گزارش‌گونه از مقالات چاپ‌شده مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی (شماره 1 تا 10)"، به نگرانی‌های مجله و ضعف‌های مقالات ارسالی پرداخته و اقدام به دسته‌بندی موضوعی مقالات و تحلیل آنها نموده است. (میرزایی و همکاران، 1387: 165-181)
- تقریباً در حوزه علوم انسانی، ارزیابی تولیدات علمی صورت نگرفته است و بیشتر در حوزه علوم پزشکی انجام شده است.

**جامعه آماری:** جامعه آماری این پژوهش، مقالات علمی-پژوهشی اعضای هیئت علمی گروه‌های زبان و ادبیات عربی کشور ایران است.

**نمونه آماری:** نمونه آماری هم، مقالات 10 مجله علمی-پژوهشی علوم انسانی ایران به ترتیب زیر است:

۱. پژوهش‌نامه علوم انسانی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی
۲. مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی (الجمعية الايرانية للغة العربية وآدابها فصلية محكمة)
۳. مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد - دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد
۴. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تربیت معلم - دانشگاه تربیت معلم
۵. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران) دانشگاه تهران
۶. مجله علوم انسانی - دانشگاه تربیت مدرس
۷. مجله علوم انسانی الزهراء - دانشگاه الزهراء
۸. مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان
۹. نشریه ادبیات و علوم انسانی (تبریز) دانشگاه تبریز
۱۰. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان

روش گردآوری داده‌ها: پژوهش حاضر به روش آمار توصیفی - تحلیلی انجام شده است. ابتدا با استفاده از شبکه اینترنت از پایگاه [www.sid.ir](http://www.sid.ir)، 10 مجله علمی - پژوهشی استخراج و داده‌های مورد نظر از قبیل تعداد کل مقالات، تعداد مقالات عربی، سال و شماره نشر و... ثبت شده است. برای تکمیل اطلاعات از دو پایگاه دیگر به نام [www.isc.gov.ir](http://www.isc.gov.ir) و [www.noormags.ir](http://www.noormags.ir) نیز استفاده شده است.

تحلیل داده‌ها: در این قسمت داده‌های گردآوری شده، با بهره‌گیری از روش‌های آماری و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

### ارزیابی کمی مقاله‌های علمی-پژوهشی گروه زبان و ادبیات عربی کشور

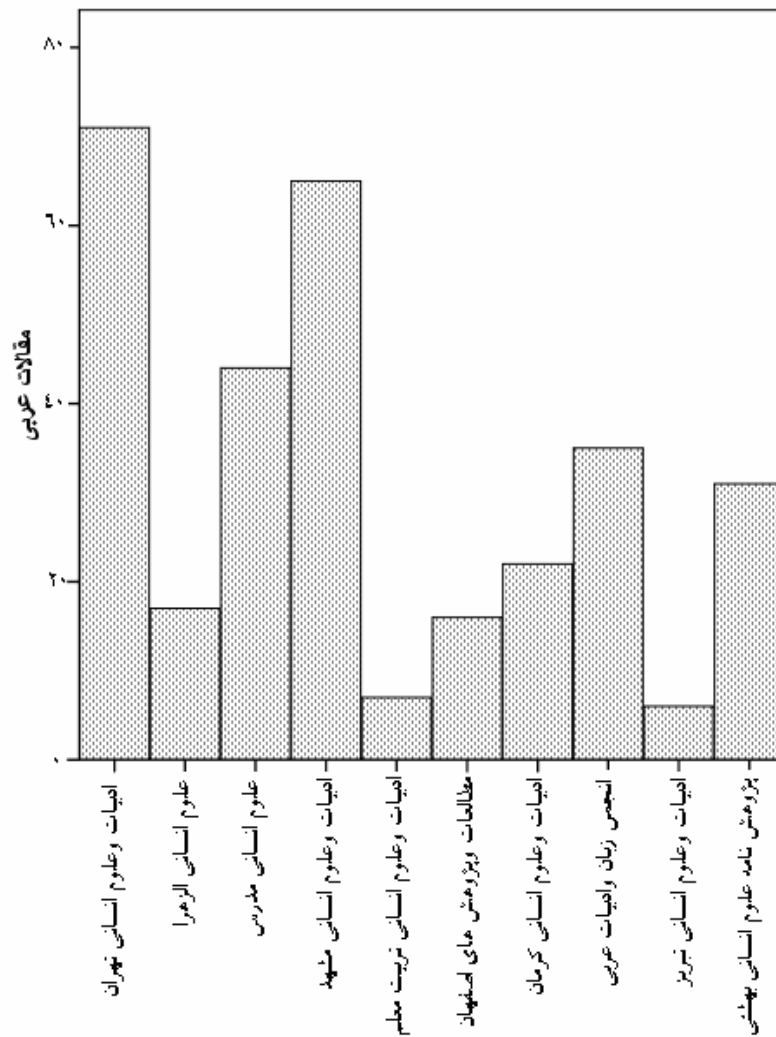
بررسی کمی مقالات مجلات می‌تواند نوعی ارزیابی از عملکرد یک مجله به عنوان یکی از واحدهای انتشار اطلاعات، در فواصل زمانی مشخص به دست دهد. (ر.ک: فراش‌بندی، 1385، ص 11) جدول شماره 1، تعداد کل مقالات تعداد مقالات عربی و درصد مقاله عربی هر مجله نسبت به کل مقاله آن مجله و میزان سهم مقالات عربی هر مجله از کل مقالات عربی 10 مجله علمی-پژوهشی ایران طی سال‌های 1382 الی 1386 نشان می‌دهد.

جدول 1: تعداد کل مقالات و مقالات عربی 10 مجله علمی-پژوهشی

مجله	تعداد کل مقالات	تعداد مقالات عربی	درصد مقالات عربی در مجله	درصد مقالات عربی هر مجله از کل مقالات عربی کشور
اصفهان	140	16	11/41	5/09
مشهد	231	65	28/13	20/70
تبریز	108	6	5/55	1/91
کرمان	102	22	21/56	7
انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی	35	35	100	11/14
تهران	184	71	38/58	22/61
الزهراء	113	17	15/04	5/41
علوم انسانی مدرس	111	44	39/63	14/01
تربیت معلم تهران	60	7	11/66	2/22
بهشتی	238	31	13/02	9/87
جمع کل	1322	314		
	23/75			درصد مقالات عربی به کل مقالات

در این جدول، مجله علوم انسانی تهران، بیشترین تعداد مقاله عربی و مجله علوم انسانی تبریز، کمترین تعداد مقاله عربی را داراست. در این میان مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی با میزان 100%، و مجله علوم انسانی تبریز با 5/55%، بیشترین و

کمترین درصد را دارا هستند. مجله علوم انسانی تهران با 22/61% و مجله علوم انسانی تبریز با 1/91%، بیشترین و کمترین سهم از کل مقالات عربی علمی-پژوهشی کشور را به خود اختصاص داده‌اند. نمودار زیر سهم مقالات عربی هر مجله را نشان می‌دهد.

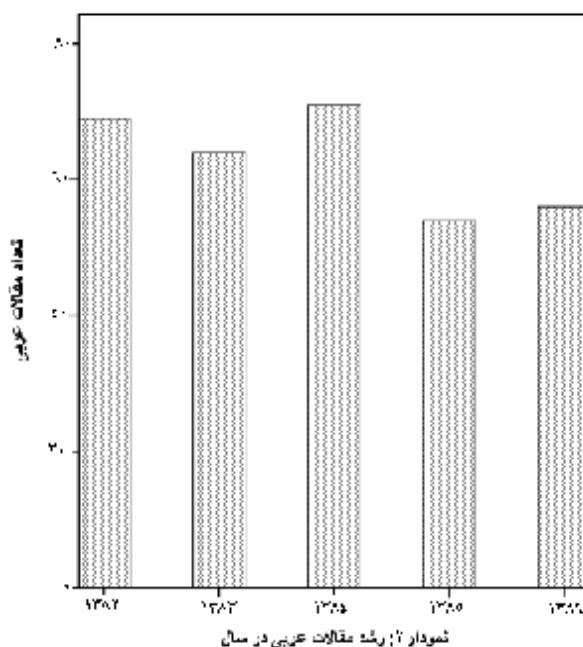


نمودار ۱: سهم مقالات عربی هر مجله

جدول 2، تعداد مقالات مربوط به حوزه زبان و ادبیات عربی را در سال‌های مورد بررسی نشان می‌دهد. نمودار 2 نیز، حاکی از رشد ناموزون و نامنظم مقالات عربی در طی سال‌های مورد بررسی است؛ به طوری که در سال 1384 به بیشترین میزان نسبت به سال‌های دیگر رسیده است. و در سال‌های 1385 و 1386 به کمترین حد خود رسیده است؛ در واقع می‌توان گفت که مقالات اعضای هیئت علمی گروه زبان و ادبیات عربی به جای اینکه، سیر صعودی داشته باشد، سیر نزولی داشته است و این نتیجه برای آینده این علم بسیار نگران‌کننده است.

جدول 2: تعداد مقالات عربی در سال

سال	تعداد مقالات عربی
1382	69
1383	64
1384	71
1385	54
1386	56



### سرانه مقاله علمی پژوهشی اعضای هیئت علمی گروه زبان و ادبیات عربی

تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی-پژوهشی نیز از شاخص‌های ارزیابی فعالیت‌های پژوهشی اعضای هیئت علمی است (ولایی و همکاران، 1384: 136). جدول زیر تعداد اعضای هیئت علمی گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه‌های دولتی را براساس آمار سال 1385 (ر.ک: نرم افزار هیأت علمی دانشگاه‌ها، موسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور، 1386) نشان می‌دهد.

جدول 3: تعداد اعضای هیئت علمی گروه زبان و ادبیات عربی و رتبه علمی آنان براساس سال 1385

ردیف	رشته و گرایش	استاد	دانشیار	استادیار	مربی
1	زبان و ادبیات عربی	1	10	132	53
2	زبان عربی	3	2	10	2
3	ادبیات عربی	1	0	0	0
	جمع	5	12	142	55
	جمع کل	214			

براساس آنچه گفته شد، حدود 314 مقاله از میان 10 مجله علمی-پژوهشی، مربوط به حوزه زبان و ادبیات عربی است. و تعداد اعضای هیئت علمی این گروه براساس آمار سال 1385 وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری، 214 نفر است. که سرانه هر عضو هیئت علمی، فقط 1/46 عدد مقاله است. پس آیا حدود 1/5 مقاله علمی-پژوهشی برای هر عضو هیئت علمی رقم قابل قبولی است؟

با بررسی مدارک موجود، بالاترین تعداد مقاله، 17 مقاله، مربوط به دکتر سید امیر محمود انوار می‌باشد. که این میزان در مقایسه با مقالات اعضای هیئت علمی گروه‌های دیگر، بسیار کم است؛ این در حالی است که از بسیاری از اعضای هیئت علمی گروه زبان و ادبیات عربی، هیچ مقاله‌ی علمی-پژوهشی، نمایه نشده است. این موضوع خود شایسته بررسی و آسیب‌شناسی جدی است که از حوصله این بحث خارج است.



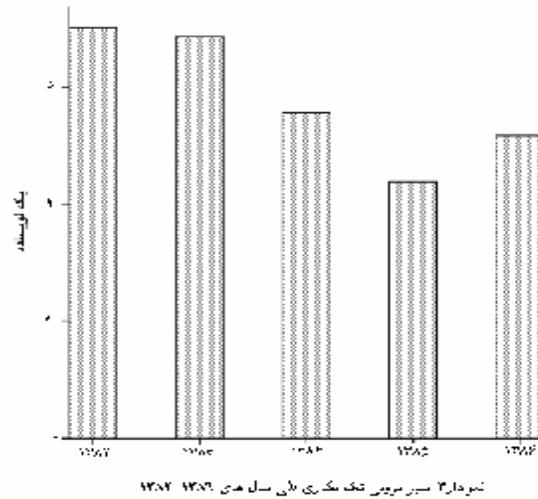
### تعدد نویسندگان و میزان همکاری گروهی

با بررسی تمام 314 مقاله مربوط به حوزه زبان و ادبیات عربی، 224 مقاله به صورت تک‌نگاری، 82 مقاله توسط گروه دو نفره، 5 مقاله توسط گروه سه نفره و 3 مقاله توسط گروه نویسندگان چهارنفره نگاشته شده بود. این آمار نشان‌دهنده این است که حوزه زبان و ادبیات عربی جهت‌گیری فردگرایانه دارد و روح تعاون بسیار ضعیفی بر آن حاکم است. جدول 4، نشان‌دهنده میزان همکاری بین نویسندگان است.

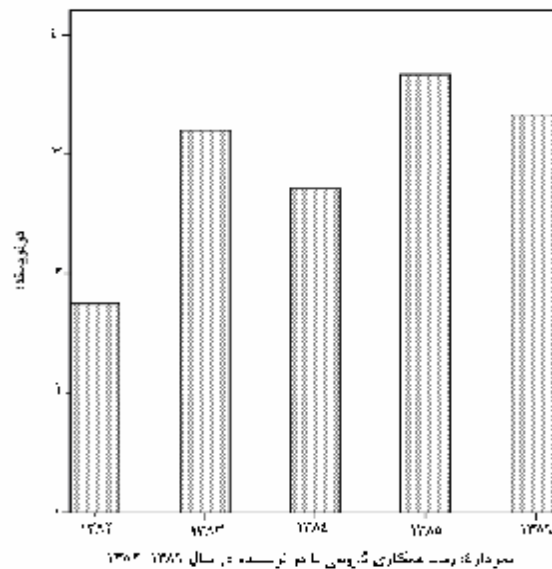
جدول 4: همکاری گروهی نویسندگان

مقالات	تعداد	درصد
مقاله عربی	314	
تک نویسنده	224	71/33
دو نویسنده	82	26/11
سه نویسنده	5	1/59
چهار نویسنده	3	0/95

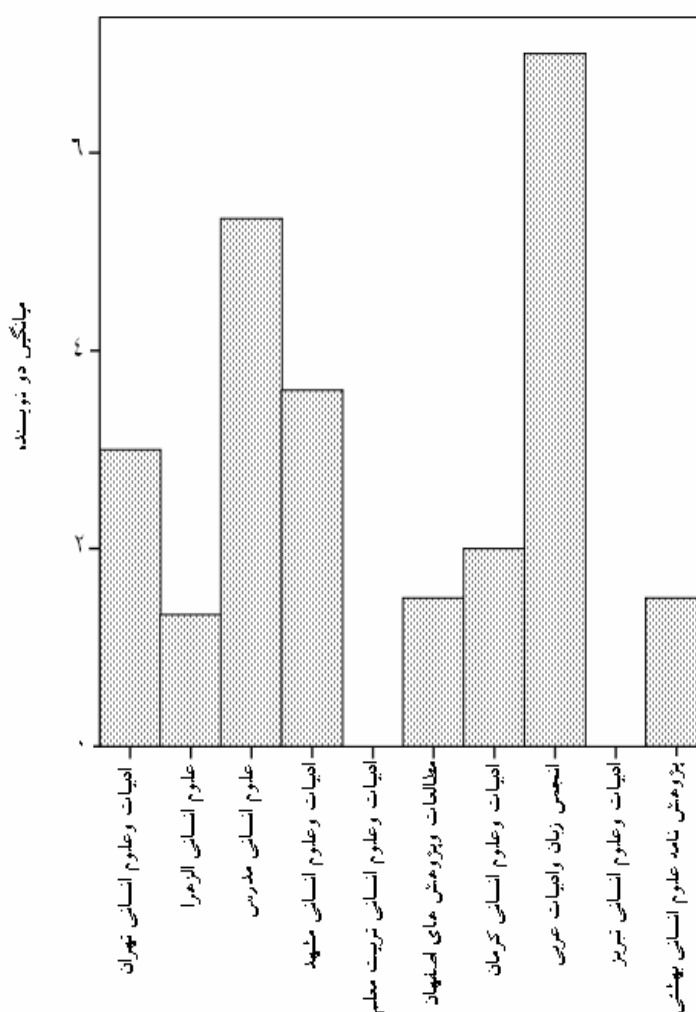
نمودار 3 نیز، حاکی از آن است که در سال‌های اوایل مورد بررسی، میزان تک‌نگاری بالا بوده است، اما روند نزولی را طی می‌کند. هرچند افزایش تک‌نگاری در سال 1386 نسبت به سال 1385 نگران‌کننده است.



نمودار 4، نشان می‌دهد که همکاری دو نفری از سال 1382 الی 1386 رشد ناموزون و نامنظم داشته است ولی رشد همکاری دو نفره در سال‌های آخر مورد بررسی نسبت به سال‌های اول سعی رغم رشد ناموزون آن-محسوس است. نتیجه آن است که تمایل به همکاری بین نویسندگان مقالات علمی-پژوهشی حوزه زبان و ادبیات عربی در خلال سال‌های مورد بررسی هرچند که رضایت‌بخش نیست، ولی روند رو به رشدی داشته است.



در نمودار 5 نیز، در بررسی تمایل به همکاری بین نویسندگان به صورت دو نفره، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، بیشترین سهم و مجله‌های علوم انسانی الزهراء و نشریه ادبیات و علوم انسانی تبریز و نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان، کمترین سهم و مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تربیت معلم صفر درصد سهم دارد.



نمودار 5: همکاری نویسندگان دو نفره در بین مجله‌ها

ضریب همکاری به دست آمده برای نویسندگان این مجلات نشان داد که همکاری گروهی بین آنان بسیار ضعیف است. نتایج مربوط به همکاری گروهی، به تمایل نویسندگان در گروه‌های یک نفره و سپس دو نفره اشاره دارد. جدول زیر نیز میزان همکاری گروهی هرکدام از مجلات مورد بررسی را در گروه‌های یک نفره، دو نفره، سه نفره و چهار نفره نشان می‌دهد.

جدول 5: تعدد نویسندگان 10 مجله علمی-پژوهشی

مجله‌ها	درصد 1 نویسنده	درصد 2 نویسنده	درصد 3 نویسنده	درصد 4 نویسنده
علوم انسانی تهران	81/81	18/18	0	0
علوم انسانی الزهراء	72/72	18/18	9/09	0
علوم انسانی مدرس	70	25	5	0
علوم انسانی مشهد	69/56	30/43	0	0
علوم انسانی تربیت معلم	100	0	0	0
علوم انسانی اصفهان	52/38	47/61	0	0
علوم انسانی کرمان	64/28	14/28	7/14	14/28
انجمن زبان و ادبیات عربی	44/44	55/55	0	0
علوم انسانی تبریز	85/71	14/28	0	0
علوم انسانی بهشتی	85	15	0	0

البته تاکید بر کار گروهی، «به این معنا نیست که اسامی تعدادی را به عنوان گروه نویسندگان در مقاله درج کنیم؛ «زیرا نمی‌توان نام تمام کسانی را که در انجام مطالعه همکاری کرده‌اند، در مقاله نوشت و دلایل آن نیز این است که اولاً: لیست کردن نام تعدادی زیادی نویسنده در صفحه عنوان از اعتبار کار هریک از نویسندگان به تنهایی می‌کاهد. دوم: همه مجلات تعداد نام‌محدود نویسندگان مقاله را نمی‌پذیرند و برخی مجلات محدودیت‌های خاص خود را اعمال می‌کنند. سوم: تمام نویسندگان در قبال

محتوای مقاله مسئولند و باید بتوانند از آن دفاع کنند. در صورت تعدد زیاد نویسندگان بعید است که همه آنان بتوانند از عهده‌ی این مسئولیت برآیند.» (Englar RL, ۱۹۸۷) به نقل از: محسنی، 1381: 105)

طبق مصوبه (ICMJE) کمیته بین المللی ویراستاران مجلات پزشکی، هر نویسنده مقاله باید شرایط زیر را داشته باشد:

1. نقش بنیادی در در ایده اولیه و طراحی، مطالعه، یا جمع آوری داده ها و یا آنالیز و تفسیر داده‌ها.

2. شرکت در تهیه پیش‌نویس مقاله یا نقد هوشمندانه مقاله (Review for intellectual content).

3. موافقت با محتوای نسخه نهایی مقاله پیش از چاپ. (Rennie D ۲۰۰۱). به نقل از: محسنی، 1381: 105)

## تحلیل کیفی مقالات علمی-پژوهشی اعضای هیئت علمی گروه‌های زبان و ادبیات عربی کشور

بررسی کیفی مقالات علمی-پژوهشی اعضای هیئت علمی گروه زبان و ادبیات عربی، نیازمند مطالعه‌ای دیگر در فرصتی دیگر است و در این مختصر نمی‌گنجد؛ اما یک بررسی کلی نشان داد که مقالات این حوزه، در سال‌های اول مورد بررسی بسیار ضعیف بوده، اما به تدریج با نزدیک شدن به سال‌های آخر مورد بررسی (1385 و 1386) به رشد کیفی نسبی رسیده است ولی هم‌چنان از برخی عیوب در قسمت‌های مختلف مقاله رنج می‌برد:

1. عدم انتخاب عنوان مناسب علمی؛ الف: برخی عنوان‌ها به جای اینکه علمی باشند بیشتر ادبی هستند؛ مثل: "حسان عرب و حسان عجم"، ب: استفاده از کلمات

مکرر و مترادف در عنوان، ج: عنوان مقاله معرف چهارچوب مقاله نیست؛ مثل "زهیر حکیم شعرای جاهلی و بررسی شعر او". د: برخی عنوان‌ها بسیار کلی هستند.

2. بخش چکیده که معمولا تمام سایت‌های داخلی و خارجی آن را در اختیار قرار می‌دهند، بیشترین خواننده عام و خاص را دارد... پس باید طوری تنظیم گردد تا دربرگیرنده تمام نکات مهم باشد. (ولایی، 1384، ص 137) در حالی که اکثر چکیده‌های مقالات مورد بررسی، حاوی نکات مهم پژوهش نیستند و ویژگی‌های چکیده علمی را ندارند.

3. عدم درج واژگان کلیدی مناسب.

4. عدم توجه به پیشینه تحقیق؛ «مطالعه پیشینه تحقیق به پژوهشگر کمک می‌کند که روش تحقیق مناسبی را انتخاب و روش‌های جدیدی را کشف کند. این کار سبب می‌شود که کار تکراری صورت نگیرد. هم‌چنین پژوهشگر با مطالعه پیشینه تحقیق، به اصلاح فرضیه پرداخته، به پیشنهادهای قبلی توجه و در گزارش نویسی و استنتاج نتایج از آن‌ها کمک بگیرد» (ر.ک: خلعتبری، 1385: 118)

5. عدم تبیین اهداف و مسئله پژوهش؛ «تبیین مسئله و فرضیه پژوهش باعث جهت‌دهی به پژوهش می‌گردد و به تدوین نظریه یا ایجاد قانون کمک می‌کند، در تعیین مناسب واقعیت‌ها کارآیی دارد و به طرح‌ریزی تحقیق کمک کرده، چهارچوبی برای گزارش نویسی ارائه می‌کند و یک اهرم ذهنی است که باعث گذر ما از ناشناخته‌ها می‌گردد.» (همان: 117)

6. نتایج اغلب مقاله‌ها شفاف نیستند و حالت تقریری دارند؛ «نتایج پژوهشی باید در ابتدای مقاله، در ابتدای خلاصه مقاله یا هر جای دیگری که امکان‌پذیر باشد ذکر شود و به جای توصیف ساده، تفسیر و معنای قابل قبولی را ارائه دهد.» (علاقبندراد، 1382: 92) گذشته از ضعف‌های مذکور- که باید به صورت مستقل بدان پرداخته شود- دو بخش مقاله یعنی منابع و استنادات به عنوان دو شاخص عمده کیفیت، به صورت مبسوط مورد نقد و بررسی قرار گرفته است:

## استنادات

تولید علم دارای دو شاخص کلی است: یکی تعداد مقالات علمی-پژوهشی با دستاورد بین المللی و دیگری میزان اثربخشی مقالات جهان علم. (موسوی، 1383، به نقل از: زلفی-گل، 1387: 24) میزان اثربخشی یا همان میزان استناد به مقاله، باعث شکل گیری روح تولید علم می شود. (همان: 23) و علم تولید شده وقتی ارزشمند است که پس از تولید به فراموشی سپرده نشود؛ بلکه به علاقه مندان عرضه شود تا علاوه بر استفاده دیگران از آن، توسط صاحب نظران مورد ارزشیابی و نقد قرار گیرد. عرضه علم تولید شده، همچنین سبب جلوگیری از تکرار توسط سایر تلاشگران دنیای علم می شود و از همه مهم تر، پایه و اساس جستجوی بعدی علمی نیز قرار می گیرد. (زلفی گل، 1387: 25)

بر اساس همین شاخص، باید گفت: روح تولید علم در حوزه زبان و ادبیات عربی ایران بسیار ضعیف است؛ به طوری که در جدول زیر ملاحظه می شود، از بین 11 نویسنده ای که بیشترین تعداد مقاله (7 مقاله به بالا) را دارا هستند فقط 6 نفر و هر کدام فقط یک بار (و یک نفر دو بار) مورد رجوع و استناد واقع شده اند، در حالی که «هرچه عدد استناد بزرگ تر باشد، نشان از توان علمی فرد و تاثیرگذاری او بر جامعه علمی خواهد بود. (نوری، 1385: 79). در این میان، یکی از علت های ضعف خوداستنادی این است که نویسندگان این رشته در یک حوزه خاص به مطالعه نمی پردازند؛ بلکه به صورت پراکنده و در حوزه های مختلف به نگارش مقاله می پردازند و به این خاطر نمی توانند به خود ارجاع دهند.

جدول 6: نویسندگان دارای بیشترین تعداد مقاله و بیشترین استناد

ردیف	نویسندگان	تعداد مقالات	تعداد استنادات
1	سیدامیر محمود انوار	17	0
2	سید حسین سیدی	15	1
3	ابوالفضل امین مقدسی	10	0
4	صادق آینه‌وند	10	1
5	خلیل پروینی	9	0
6	سید فضل اله میرقادری	8	1
7	وحید سبزیان‌پور	8	2
8	آذرتاش آذرنوش	7	0
9	حامد صدقی	8	1
10	فرامرز میرزایی	7	1
11	یحیی معروف	7	0

- **خود استنادی:** «به طور حتم یک پژوهشگر باید در گزارش علمی جدید به نتایج پژوهش و تحقیق خود که در مستندات علمی قبلی آورده است و به موضوع مرتبط است، اشاره نماید تا برای داوران و خوانندگان مشخص گردد که گزارش علمی جدید متفاوت از مستندات علمی قبلی ایشان است و از طرف دیگر، خوانندگان براساس ارجاعات به شخص نویسنده مستند علمی، به روند منطقی تفکر او پی برند؛ بنابراین در صورتی که محقق به سوابق و مستندات علمی مرتبط خود اشاره نماید این شائبه به وجود می‌آید که گزارش علمی جدید ایشان فاقد نوآوری است و ممکن است مطالب آن قبلاً به نوعی دیگر بیان شده باشند. در این صورت ارجاع ندادن به سوابق و مستندات قبلی، خود امری غیراخلاقی است. آنچه ارجاع به خود را منفی جلوه می‌دهد ارجاعاتی است که با موضوع پژوهش و گزارش علمی جدید مرتبط نباشند» (زلفی گل، 1387: 32). ارجاع به خود دو شکل دارد: 1. ارجاع به خود 2. ارجاع به نویسندگان داخل



کشور. در مورد ارجاع به نویسندگان داخل، «نکته مهم و آزاردهنده این است که نویسنده‌ی مقاله، به ندرت به مقالات همکاران دانشگاهی داخل کشور استناد می‌کند. درحالی که در زمینه‌های گوناگون، دانشمندان رشته‌ی زبان و ادبیات عربی داخل کشور نوشته‌های بسیار ارزشمندی دارند. این امر ممکن است ناشی از عدم اطلاع نویسنده از آثار آنان باشد که خود نشانه‌ی عدم تسلط وی بر تولیدات مشابه است و ممکن است ناشی از این احساس باشد که استناد به منابع داخلی ضعف محسوب می‌شود. دانشمندان ایرانی در درک و فهم عمیق زبان و ادبیات عربی برتری محسوسی دارند. پس چرا به آثار علمی آنان استناد نشود. به همین دلیل بهتر است یکی از شاخص‌های مجله در ارزیابی یک مقاله، مقدار استناد وی به مقالات علمی در مجلات معتبر علمی پژوهشی ایران و جهان باشد تا مقاله نویسان از این مهم غفلت نکنند.» (میرزایی، 1387: 168) استناد به مقالات دیگران، هم‌چنین بیانگر وجه تمایز مقاله با دیگر مقالات مشابه است و مقدار آگاهی نویسنده را از تحقیقات انجام گرفته در این زمینه، نشان می‌دهد.

### منابع و مأخذ

«برای دستیابی به یک نتیجه پژوهش کامل و صحیح، باید با روش منطقی به مستندات علمی پیشین ارجاع داده و آن‌ها را نقد نمود یا اینکه با استفاده از آن‌ها، حرف، تکنیک و گزارش جدیدی را گزارش نمود؛ به هر حال رجوع به مستندات و سوابق علمی گذشته ضرورتی اجتناب ناپذیر است. این مستندات می‌توانند مربوط به محقق یا دیگران باشند.» (زلفی گل، 1387: 32) و مقدار آگاهی نویسنده را از تحقیقات انجام گرفته در این زمینه، نشان می‌دهد. (میرزایی، 1387: 171) در مورد کیفیت منابع نیز، نویسنده یک مقاله باید منابع تحقیق خود را شناخته و به آن‌ها ارجاع دهد. موارد ذیل منابع تحقیق در حوزه زبان و ادبیات عربی به شمار می‌روند: 1. دیوان شعراء 2. تذکره‌ها 3. کتب تاریخی 4. کتب جغرافیایی 5. سفرنامه‌ها 6. کتاب‌های علم بدیع و بلاغت 7. کتاب‌های فرهنگ

8. کشکول‌ها 9. مقالات و...» (رنجبر، 1372: 88) و بدین ترتیب محققان باید سندها و مدارک دقیق و صحیح برگزینند و این سندها را با ژرف‌نگری هرچه تمام‌تر بخوانند. (همان: 43).

با بررسی تصادفی منابع مقالات مربوط به حوزه زبان و ادبیات عربی، مشخص شد میانگین منابع این مقالات حدود 25 منابع است که پایین‌ترین رقم مربوط به مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد با 11 منابع و بالاترین رقم مربوط به مجله علوم انسانی الزهرا با 48 منابع است. بررسی کیفی نیز حاکی از این بود که در این مقالات به منابع قدیمی و دست اول تأکید بیش از اندازه شده و جا را برای ظهور منابع جدید تنگ کرده است. تقریباً در تمام مجلات از منابع نقدی بسیار کمی استفاده شده است. به راحتی می‌توان گفت: منابع اینترنتی هیچ جایگاهی در بین این منابع ندارد. در تمام مقالات مورد بررسی، ارجاع به مقالات علمی روز، رقم انگشت شماری است. منابع انگلیسی و نرم‌افزاری نیز جز چند مورد، در هیچ مقاله‌ای دیده نشد. این بررسی نشان داد، در مقالات مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، از منابع جدید (کتابی) و نقدی بیشتری نسبت به مقالات دیگر مجلات استفاده شده است و این مجله در استفاده از منابع اینترنتی و مقالات علمی روز پیشگام است و وجود این منابع هرچند کم، امیدوارکننده است. برخی مقالات مربوط به حوزه زبان و ادبیات عربی مجله علوم انسانی الزهرا نیز، حاوی منابع انگلیسی هستند. علی‌رغم ضعف‌های مذکور، رشد منابع هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی، در سال‌های آخر نسبت به سال‌های آخر چشمگیر است.

### موانع رشد مقالات علمی-پژوهشی گروه زبان و ادبیات عربی

1. حضور دائم برخی نویسندگان مشهور در مجلات علمی-پژوهشی؛ «نصف مقاله‌های علمی را کسانی می‌نویسند که تعدادشان برابر است با جذر تعداد کل نویسندگان مقاله-های علمی.» (سن گوپتا، 1372: 40) در بررسی نویسندگان مقاله‌ها، نکته قابل توجه این

است که، تنوع افراد نویسنده بسیار کم است؛ سبب آن نیز یکی از این دو علت می- باشد: 1. پذیرش و چاپ آثار نویسندگان برجسته. 2. ضعف و کم‌کاری اعضای هیئت علمی.

2. اختصاص درصد بالایی از سهم چاپ مقالات به اعضای هیئت علمی دانشگاه مسئول همان مجله (قطبی شدن پذیرش و چاپ مقاله)؛ به عنوان مثال، مجله علوم انسانی دانشگاه تهران، در شماره‌ای، 72 درصد آن را به اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران و مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، 64/26 درصد را به اعضای هیئت علمی دانشگاه مشهد اختصاص داده است.

3. تخصیصی کردن مجله‌های علمی کشور و عدم اختصاص مجلات تخصصی برای رشته زبان و ادبیات عربی:

«میزان انتشار [هر علمی] بستگی به تخصیصی بودن موضوع نشریه دولتی یا خصوصی دارد». (سن گوپتا، 1372:46) و یکی از علل ضعف مقالات حوزه‌ی زبان و ادبیات عربی این است که در همایش «بررسی مجلات علمی کشور» به تخصیصی شدن مجله‌های علمی کشور تأکید شد و در پی آن «کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور» به همراه نامه شماره 206/4297 مورخ 1380/10/22، برای هرکدام از مجلات، گرایش‌های خاصی را انتخاب و معرفی نمود که این مجلات در راستای همین گرایش‌ها به چاپ مقالات بپردازند. (همایش بررسی علمی کشور: 55-56، به نقل از طباطبایی، 1381: 5) در این نامه، بسیاری از گرایش‌ها و به‌ویژه گرایش زبان و ادبیات عربی نادیده گرفته شده و برای آن مجله‌ای اختصاص داده نشد؛ میان توزیع مقالات یک جامعه با توزیع مجلات آن نوعی رابطه وجود دارد. (داورپناه، 1385: 80) و هر چه توزیع مجلات برای رشته‌ای کم باشد، میزان مقالات در آن رشته نیز کم‌تر خواهد بود؛ به عنوان مثال مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز که کمترین میزان مقالات عربی را به خود اختصاص داده، دلیل آن این است که، این مجله فقط در حوزه زبان و ادبیات فارسی، زبان انگلیسی و

فلسفه به چاپ و نشر مقاله می‌پردازد. این در حالی است که، رشته‌ای مثل زبان و ادبیات فارسی، هشت مجله تخصصی دارد. با این توصیفات می‌توان به این ده مجله علمی-پژوهشی این ایراد را گرفت که چرا در پی این نامه، در طی سال‌های 1382 الی 1386 حدود 314 مقاله مربوط به حوزه زبان و ادبیات عربی منتشر کردند؛ در حالی که این رشته جزء رشته‌های تخصصی آن‌ها نبوده است؟! از این رو عدم وجود مجلات تخصصی در حوزه‌های مختلف زبان و ادبیات عربی، از موانع اساسی تولید علم در این حوزه به شمار می‌رود.

4. بهادهی به مقالات اعضای هیئت علمی با رتبه استاد و دانشیار و عدم استقبال از رتبه‌های دیگر و نسل جدید؛

«بی‌شک، میزان بالای مشارکت اعضای هیئت علمی با رتبه استاد و دانشیار در چاپ مقالات در مجلات علمی-پژوهشی دلالت بر کیفیت علمی مناسب این مجلات دارد و این موضوع، وظیفه و مسئولیت دست‌اندر کاران مجله را در هرچه پربارتر کردن مجله و حساسیت و دقت بیشتر سنگین‌تر می‌کند» (نوری، 1385، ص 75) اما حضور مداوم و ثابت برخی اسمها مانع از آن می‌شود که نسل جدید اعضای هیئت علمی بتوانند در این تولید نقش داشته باشند.

5. ظرفیت بسیار محدود مجلات برای چاپ مقالات و پایین بودن تعداد شمارگان سالیانه هر مجله؛

«در مجله‌های علوم انسانی وجود فقط 5 یا 6 مقاله نشان از ضعف آن مجله‌هاست و مصداق سخن دکتر توکل معاون پژوهشی وزارت علوم قرار می‌گیرد: نقش عمده مجله یا مقاله این است که یک دستاورد جدید علمی-تخصصی داشته باشد. مجله‌ای که هر چهار سال یک بار در یک رشته یک مقاله در بیاورد، نه خواننده دارد و نه مشتری. و این همان مشکلی است که جامعه کنونی ما با آن روبه روست و از آن رنج می‌برد.» (طباطبایی، 1381: 3)

در این بررسی شاهد مجلاتی بودیم که در هر شماره فقط چهار مقاله منتشر کرده بود و هم‌چنین مجلاتی بودند که در سال فقط دو شماره منتشر می‌کردند؛ اگر در آیین نامه این مجلات، تعداد محدودی مقاله مشخص شده‌اند، این تعداد جوابگوی روند سریع رشد علم امروزی نیست. و اگر مقالات ارسالی در سطح انتشار نیستند، باید چاره‌ای اندیشیده شود تا سطح مقاله‌نگاری اعضا ارتقا یابد. این بدان معنی نیست که، با افزایش تعداد مقالات کیفیت آن‌ها زیر سؤال رود؛ بلکه کیفیت مهم‌تر از کمیت است. ولی کیفیت برتر را از میان کمیت بالا می‌توان انتخاب نمود.

6. عدم توازن و تعادل موضوعی؛ «از آنجا که مقالات به عنوان مضمون و محتوا تابع ساختار مجله‌اند و از طرفی بین توزیع مقالات و توزیع مجلات نوعی رابطه وجود دارد؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که حجم مقالات منتشره یا قابل انتشار در همه رشته‌ها یا موضوع‌ها یکسان باشد.» (داورپناه، 1385: 101) مقالات مربوط به حوزه زبان و ادبیات عربی نیز از توازن و تعادل موضوعی برخوردار نیست و به برخی از موضوعات توجه کافی نشده و در مورد برخی دیگر نیز هیچ‌گونه مقاله‌ای درج نشده است. یک بررسی کلی نشان داد که از بین موضوعات حوزه مذکور، "قرآن" بیشترین سهم و "صرف" و "اندلس" کمترین سهم را دارند "نحو" و "بلاغت" نیز تقریباً از سهم یکسانی برخوردارند.

6. کیفیت ضعیف مقالات ارسالی؛ فقدان استناد به مقالات علمی، عنوان نامناسب، چکیده ناگویا، نبود مسئله و پیشینه‌ی تحقیق، نبود نتیجه و پیشنهادها، زبان نوشتاری نامناسب، ازجمله ضعف‌های مقالات ارسالی هستند. (رک: میرزایی، 1387: 171-169) که معمولاً داوران و سردبیران مجله‌ها با آن مواجه‌اند.

7. عوامل اداری؛ «عامل اداری، مقررات دست و پاگیر، عامل شخصی، کمبود وقت از عوامل اصلی بازدارنده تولید اطلاعات برای جامعه پژوهش به حساب می‌آید.» (عباسپور، 1381، به نقل از نوری، 1385: 8)

8. عدم تجهیز مناسب کتابخانه‌ها به وبژه کتابخانه‌های دانشگاه‌ها.
9. عدم تخصصی نگاری؛ نویسندگان کشور ما در یک حوزه تخصصی، به مطالعه نمی‌پردازند؛ بلکه وارد حوزه‌های مختلف شده و از هرکدام مقاله‌ای را منتشر می‌کنند. عدم نگارش براساس دانش و تجربه شخصی از بار محتوایی مقاله کاسته و باعث می‌شود که عمر آن تمام شده و مورد رجوع و استناد خود و دیگر محققان قرار نگیرد.
10. منزوی شدن این رشته و عدم ارتباط با علوم دیگر؛ زمانی که محققان رشته خود را در ارتباط با دیگر علوم قرار بدهند و مطالعه خود را میان به صورت میان‌رشته‌ای انجام دهند، این کار باعث حیات و زنده ماندن هر دو رشته می‌گردد و کار میان رشته‌ای نیز نیازمند و سبب کار گروهی می‌گردد.
11. فقدان سامانه نمایه‌سازی تولیدات علمی علوم انسانی و از جمله مقالات تخصصی زبان و ادبیات عربی؛ بدیهی است آنچه به عنوان پایگاه استنادی علوم ایران یا ISC در حال فعالیت است تاکنون در نمایه‌سازی مقالات عربی و تحت پوشش قرار دادن کلیه مجلات علوم انسانی توفیق چندانی کسب نکرده است.

## نتایج

- مقالات مربوط به حوزه زبان و ادبیات عربی در طی سال‌های 1382 الی 1386، دارای رشد ناموزون و نامنظم می‌باشد و سیر نزولی را طی می‌کند.
- مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران، بیشترین تعداد مقاله عربی و مجله علوم انسانی تبریز، کمترین تعداد مقاله عربی را دارا هستند.
- سرانه هر عضو هیئت علمی، در طی سال‌های مذکور، 1/46 تعداد مقاله می‌باشد.
- در سال‌های اول مورد بررسی، میزان تک‌نگاری بسیار بالا بوده است، اما روند نزولی را طی می‌کند.

- تمایل به همکاری بین نویسندگان مقالات علمی-پژوهشی حوزه زبان و ادبیات عربی برای همکاری به صورت گروه‌های یک نفره و سپس دو نفره است؛ و تمایل به همکاری دوفره، در خلال سال‌های مورد بررسی روند رو به رشدی داشته است.

- مقالات این حوزه از نظر کیفی، در سال‌های اول مورد بررسی بسیار ضعیف بوده، ولی سیر تکاملی مقالات چاپ شده به لحاظ کیفیت در پژوهش‌های انجام شده محسوس است.

- بررسی سیر رشد موضوعات در گذر زمان نشان داد که تنوع موضوعی و درج مقالاتی با موضوعات گوناگون در فاصله سال‌های مورد بررسی به طرز مشهودی دارای سیر صعودی می‌باشد.

- گروه زبان و ادبیات عربی به تولید علم دست اول بیش از ترجمه آثار می‌پردازند؛ دلیل آن می‌تواند این باشد که مجلاتی با درجه علمی-پژوهشی، کم‌تر به انتشار مقالات ترجمه‌ای می‌پردازند و سیاست آنان مبتنی بر تولید و نشر مقالات پژوهشی محققان است.

- عدم انتخاب عنوان مناسب علمی، فقدان نکات مهم در چکیده، عدم درج واژگان کلیدی مناسب، عدم توجه به پیشینه تحقیق، عدم تبیین اهداف و مسئله پژوهش، عدم شفافیت نتایج و تقریری بودن آن‌ها، تاکید بیش از اندازه به منابع دست اول و قدیمی و غفلت از منابع جدید به‌خصوص مقالات علمی روز، از جمله ضعف‌های مقالات هستند.

- حضور دائم برخی نویسندگان مشهور در مجلات علمی-پژوهشی، عدم اختصاص مجلات تخصصی برای رشته زبان و ادبیات عربی، بهادهی به مقالات اعضای هیئت علمی با رتبه استاد و دانشیار و عدم استقبال از رتبه‌های دیگر و نسل جدید، ظرفیت بسیار محدود مجلات برای چاپ مقالات و پایین بودن تعداد شمارگان سالیانه هر مجله،

عدم توازن و تعادل موضوعی، عوامل اداری، عدم تخصصی نگاری، عدم ارتباط با علوم دیگر، از جمله موانع رشد مقالات علمی-پژوهشی گروه زبان و ادبیات عربی هستند. - با این‌که اکثر مجلات علمی-پژوهشی مورد بررسی، از سال 1379 با مجوز علمی-پژوهشی نمایه شده‌اند، اما اکثر مقالات سال‌های 1382 به بعد و حتی سال‌های آخر مورد بررسی از ویژگی‌های یک مقاله علمی برخوردار نیستند.

### منابع و مآخذ

- اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، موسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور (بخش دولتی سال 1385)، (نرم‌افزار) (1386)، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی - گروه پژوهش‌های آماری و فناوری اطلاعات، مرداد ماه.
- امیر اصلانی، فرشاد و مرتضوی سرمد (1384)؛ «تحلیلی بر روند کمی و کیفی مجله بیابان طی یک دوره آماری ده ساله»، مجله بیابان، جلد 10، شماره 2.
- امین‌پور، فرزانه و کبیری و همکاران (1387)؛ «دستاورد‌های دودهم حضور دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در عرصه تولید علم»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، بهار و تابستان.
- خلعتبری، جواد (1385)؛ آمار و روش تحقیق، تهران: پردازشگران.
- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی [www.sid.ir](http://www.sid.ir)
- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) [www.isc.gov.ir](http://www.isc.gov.ir)
- پایگاه مجلات تخصصی نور، بانک نشریات حوزه علوم اسلامی و انسانی [www.noormags.com](http://www.noormags.com)
- خاواس، الین ال (1384)؛ اعتبارسنجی در آمریکا (ریشه‌ها، توسعه‌ها و چشم‌اندازهای آینده)، تر:حسن زین‌آبادی و همکاران، تهران: مرکز انتشارات سازمان سنجش آموزش کشور، دی ماه.
- داور پناه، محمد رضا (1381)؛ جستجوی اطلاعات علمی-پژوهشی در منابع چاپی و الکترونیکی، تهران: دبیزش.
- داور پناه، محمدرضا و ابوالحسنی (1385)؛ «بررسی توزیع مجلات علمی حوزه علوم اجتماعی و رفتاری در عرصه پایگاه‌های معتبر جهانی»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، شماره 26.
- رنجبر، احمد (1372)؛ روش تحقیق و مآخذ شناسی، چاپ سوم، انتشارات اساطیر.
- زارع فراش‌بندی، فیروزه و کربلائی و همکاران (1385)؛ «مشارکت گروهی و موضوعات اصلی مقالات مجله علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز»، مدیریت اطلاعات سلامت، دوره سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان.



- زلفی گل، محمدعلی و کیانی بختیاری (1387)؛ «مصادیق تولید علم: شاخص‌های انتخاب و انتخاب شاخص‌ها»، فصلنامه تولید علم، سال سوم، شماره 6. بهار.
- سن گوپتا، ان.آی. (1372)؛ «مروری بر کتاب سنجی، اطلاع سنجی، علم سنجی و کتابخانه سنجی»، تر: وزیرپور کشمیری، مهردخت، فصلنامه اطلاع رسانی، دوره 10، شماره 3-2، تابستان و پاییز.
- طباطبایی، سید کاظم (1381)؛ «تخصصی کردن مجله‌های علمی کشور (ضرورت‌ها، موانع، مشکلات و راه حل‌ها)»، نشریه دانشکده الهیات مشهد، شماره 55، بهار.
- علاقبندراد، جواد، (1382)؛ «استانداردهای ده‌گانه سند علمی (مقاله و...)» مجله تازه‌های علوم‌شناختی، سال 5، شماره 2.
- لطف‌آبادی، حسین (1382)؛ «تولید علم و مقالات علمی-پژوهشی علوم انسانی در ایران»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره 6.
- محسنی، مسعود (1381)؛ «حقوق و مسئولیت‌های نویسندگان مقاله»، مجله پژوهش در علوم پزشکی، سال هفتم، شماره 2.
- مهرداد، جعفر و گزنی (1387)، طلایه داران علم ایران در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، شیراز، مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری.
- میرزایی، فرامرز و پروینی، وهمکاران (1387)؛ «تحلیلی گزارشی‌گونه از مقالات چاپ شده مجله‌ی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی (شماره یک تا ده)»، مجله‌ی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، علمی-پژوهشی، شماره 10، پاییز و زمستان.
- نوری، رسول و نوروزی وهمکاران (1385)، «تولیدات علمی پژوهشگران دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در پایگاه اطلاعاتی Web of Science از سال 1976 تا پایان سال 2006»، مدیریت اطلاعات سلامت، دوره‌ی سوم، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان.
- ولایی، ناصر و کوثریان وهمکاران (1385)؛ «بررسی کمی و کیفی مقالات مجله علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مازندران {نامه} از شماره 47-1»، مجله علوم پزشکی مازندران، دوره شانزدهم، شماره 52، خرداد و تیر.

## تقييم الانتاجات العلمیه لفرع اللغة العربیة و آدابها في البلاد (المقالات البحثیه المحکمه من ١٣٨٢ الي ١٣٨٦)

دکتر علي باقر طاهري نيا

استاذ مشارك في فرع اللغة العربیة و آدابها بجامعة ابن سینا

مریم بخشى

الماجیستر في فرع اللغة العربیة و آدابها بجامعة ابن سینا

### الملخص

دراسة المقالات المحکمة لكل من الفروع العلمیة تحدد نصیب الفروع في الانتاج العلمی للبلاد و تؤثر هذه في صحة البریجة و تعديل السیاسة العاملة في مجال البحث و الانتاج . ان هذه الورقة تناقش الايجابيات و السلبيات و من ثم تحدد دور فرع اللغة العربیة و آدابها في الانتاج العلمی . يشمل البحث المقالات المنتشرة في عشر مجلات محکمة من سنة ١٣٨٢ الي ١٣٨٦ خلال مدة خمسية . نظرة في تطور و ازدياد عدد المقالات تدل علي نمو غير دائم حيث كان عدد المقالات المنتشرة سنة ١٣٨٤ في المستوى الاول. ان نسبة المقالات المطبوعة بعدد اعضاء الهيئة العلمیة لفرع اللغة العربیة و اداها تشير الي ١/٤٦ مقالة لكل واحد من الاعضاء هذا و اهم ارغب الي الدراسات المستقلة منه الي الدراسات المشتركة حيث عدد المقالات احادية الكاتب اكثر بكثير من الثنائية و الثلاثية . اعتمدنا علي " المصادر " و " التهميشات " لدراسة كیفیة المقالات و نتج عن هذه الدراسة ان معدل المصادر للمقالات ٢٥ مصدرا و كان الاهتمام البالغ لاختيار المصادر القديمة منها دون الكتب و البحوث الحديثة . و ان عدد الارجاجات الواردة لهذه المقالات لا تزيد علي الواحد . إن اهم الحوافز التي منعت المقالات الخاصة في الادب العربي من النمو و الزيادة و التأثير : عدم انتشار المجالات الخاصة باللغة العربیة و انتشار المقالات لفئة خاصة من الاخصائيين و انتشار المقالات الخاصة بجامعة معينة و قلة المقالات المطبوعة لكل عدد من المجالات سنويا و عدم الاهتمام بالمراجعة الي البحوث الحديثة و عدم المناسبة التامة بين المقالات المنتشرة للمولفين و عدم المراقبة علي تكثيف المقالات .

**المفردات الرئيسية:** تقييم الانتاج، المقالة، المجالات المحکمة، اللغة العربیة